

پیروان حسین(ع) همیشه در انتظار شهادت

احمدعبداللتیان اردادامه مرور آیاتی که امام حسین(ع) در مسیر قیام خوداز مدینه تا کربلا و در مناسبت های مختلف به آن ها اشاره کردند.
ایه ۲۳ سوره احزاب را باهم تلاوت می کنیم.
در مسیر کربلا همین که اباعبدالله(ع) خبر شهادت نامه رسان خود «قیس بن مسهر صیداوی» را شنیدند، گریه کردند و این آیه را تلاوت فرمودند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَتَلَ خُذًا وَدَيْمَانًا يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَوَّلُ وَيَبْدَأُ الْأُخْرَىٰ وَيَوْمَ يُسْأَلُ عَن قَوْلِهِمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَدْعُهُمْ إِلَىٰ أَن يَكُونُوا مِثْلَهُمْ؟»
خداوند پیمان بسته بودند، صادقانه وفا کردند و خود را آماده جهاد نمودند. برخی از آنان پیمانشان را عمل کردند و به شهادت رسیدند] و بعضی دیگر در انتظار [شهادت] هستند و هرگز [عقیده و پیمان خود را] تغییر ندادند.
امام حسین(ع) با خواندن این آیه، یادآوری کردند که هرکه با خداوند پیمان بسته است، در مسیر خود ثابت قدم می ماند، حتی اگر این مسیر به مرگ منتهی شود. این افراد هرگز از روی ترس، عقیده خود را تغییر نمی دهند، تاحدی که یا شهید می شوند یا شهادت را انتظار می کشند.
همچنین از نکاتی که مفسران قرآن کریم برای این آیه بیان کرده اند، این است که دفاع از حق تا مرز شهادت، نشانه صداقت در ایمان است، تعهد، لازم الاجرا و عمل به آن، نشانه صداقت است.

بنابر این مؤمن با اینکه شهادت دوستان و عزیزان خود را می بیند، باز خود در انتظار شهادت است. مؤمنان واقعی پایبند عهد و پیمان خود با خدا هستند و هیچ چیز حتی شهادت دوستان و عزیزان، روحیه آنان را تغییر نمی دهد. پس انتظار شهادت نیز ارزش محسوب می شود و باب شهادت همیشه باز است.

روضه شب هشتم

سند همیشگی بی رحمی دشمن

علیرضا وکیلی/ یکی از مهم ترین اهداف محرم، استخراج درس های کاربردی برای زندگی امروز است. اگر هر شب محرم تنها به بیان مصیبت محدود شود، بخش مهمی از پیام عاشورا نادیده گرفته خواهد شد. شب حضرت علی اصغر(ع) فرصتی برای بازخوانی یکی از مهم ترین شاخص های تربیتی واجتماعی عاشورا یعنی «دشمن شناسی» است. شهادت طفل شیرخوار امام حسین(ع)، فقط یک مصیبت جان سوز نیست، بلکه سندی تاریخی است که نشان می دهد جبهه باطل هنگامی که در مسیر دشمنی با حق قرار می گیرد، هیچ حدود مرزی را به رسمیت نمی شناسد. این حادثه به ما می آموزد که در شناخت دشمن، نباید دچار ساده اندیشی و خوش بینی شد.

حقیقتی که علی اصغر(ع) آشکار کرد

شهادت حضرت علی اصغر(ع) یکی از تکان دهنده ترین صحنه های عاشورا است. هنگامی که امام حسین(ع) طفل شیرخوار خود را در آغوش گرفتند و در برابر سپاه دشمن قرار دادند، نه برای جنگ بلکه برای اتمام حجت، سخن گفتند. امام به آنان گفتند: اگر با من دشمنی دارید، لافاقل این کودک را جرعه ای آب بدهید. اما پاسخ سپاه کوفه، تیر سه شعبه ای بود که گلولی کودک شش ماهه را نشانه رفت. این حادثه نشان داد که وقتی انسان در جبهه باطل قرار گیرد، هیچ مرزی از انسانیت، عاطفه و اخلاق را رعایت نخواهد کرد. شهادت علی اصغر(ع) سند تاریخی این حقیقت است که دشمنی با حق اگر مهار نشود، به بی رحم ترین رفتارها منجر خواهد شد.

خطای اعتماد به دشمن

یکی از مهم ترین پیام های شب هفتم محرم، پرهیز از اعتماد ساده لوحانه به دشمن است. تاریخ عاشورا نشان می دهد کسانی که نامه دعوت برای امام حسین(ع) نوشتند و وعده همراهی دادند، همان کسانی بودند که در روز عاشورا در برابر فرزند پیامبر(ص) ایستادند. سپاهی که به یک کودک شیرخوار رحم نکرد، نشان داد که وعده های جبهه باطل تا زمانی اعتبار دارد که منافع آن ها تأمین شود. این درس تاریخی در دنیای امروز نیز قابل توجه است. هرگاه قدرت های سلطه گراز حقوق بشر، حمایت از کودکان یا حفظ غیرنظامیان سخن می گویند، باید عملکرد واقعی آن ها نیز مورد توجه قرار گیرد. عاشورا به ما می آموزد که در کنار حسن ظن به مؤمنان، باید در برابر دشمن نیز هوشیار بود و تاریخ را فراموش نکرد. همچنان که رهبر شهید به ما موخت که باید به دشمن وعده های او خوشبین نبود و امروز نیز راز پیروزی پیروی از بهبر معظم انقلاب است.

مرثیه علی اصغر(ع)

مصیبت حضرت علی اصغر(ع) از جان سوزترین صحنه های عاشورا است. ناله اهل حرم، در آغوش گرفتن کودک برای آخرین وداع، نزدیک کردن صورت به صورت فرزند برای بوسه ای پدران و فرود آمدن تیر بر گلولی کودک، لحظاتی است که دل هر انسانی را به درد می آورد. نقل شده است که امام حسین(ع) خون گلولی فرزند را با دستان خود گرفتند و به سوی آسمان پاشیدند و این مصیبت را نزد خداوند عرضه کردند. سپس بدالی شکسته، برای طفل خویش، قبری کوچک فراهم ساختند و او را با دست های خود به خاک سپردند. این صحنه، فقط یک مصیبت تاریخی نیست، بلکه نمایش مظلومیت مطلق جبهه حق و نهایت قساوت جبهه باطل است.

احکام محرم

عزاداری آری، اما نه به بهای ترک نماز!

حسین ابراهیمی/ ماه های سوگواری اهل بیت(ع) همواره فرصتی برای تجدید پیوند عاطفی و معرفتی با خاندان پیامبر(ص) بوده است. در این ایام، مجالس عزاداری، هیئت ها و مراسم سوگواری در شهر ها و محله ها برپا می شود و بسیاری از مردم با حضور در این مجالس، ارادت خود را به ساحت اهل بیت(ع) ابراز می کنند، با این حال گاهی پرسشی مهم در میان برخی مؤمنان مطرح می شود: اگر شرکت در این مجالس باعث شود بعضی واجبات مانند نماز از انسان فوت شود، تکلیف چیست؟ آیا برای جلوگیری از چنین وضعی، باید از حضور در این مجالس صرف نظر کرد؟ در پاسخ به این پرسش، فتوای روشنی از رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، نقل شده است که می تواند راهنمای عمل مؤمنان باشد: «بدیهی است که نماز واجب، مقدم بر فضیلت شرکت در مجالس عزاداری اهل بیت(ع) است و ترک نماز به دلیل شرکت در این مجالس، جایز نیست، ولی شرکت در عزاداری به گونه ای که مزاحم نماز نباشد، از مستحبات مؤکد است.»

بر اساس این استقنا، اصل و قاعده در شریعت اسلام، این است که واجبات الهی بر مستحبات مقدم اند. بنابر این اگر شرکت در مجلس عزاداری باعث شود نماز واجب انسان ترک شود یا به قضا بیفتد، چنین کاری جایز نیست؛ زیرا هیچ عمل مستحبی – اگر از بهترین مستحبات باشد – نمی تواند جای واجب را بگیرد.

نماز، ستون دین و از مهم ترین واجبات الهی است. در مقابل، شرکت در مجالس عزاداری اهل بیت(ع) از مستحبات مؤکد و بسیار ارزشمند به شمار می آید، اما ارزش آن، زمانی کامل خواهد بود که در چارچوب عمل به واجبات قرار گیرد. در حقیقت، خود اهل بیت(ع) نیز پیروان شان را پیش از هر چیز به انجام واجبات و به ویژه اقامه نماز سفارش کرده اند. از این رو راه درست آن است که مؤمنان میان این دو امر مهم، تعادل برقرار کنند. حضور در مجالس عزاداری نه تنها مطلوب، بلکه نشانه محبت و پیوند با فرهنگ اهل بیت(ع) است. اما این حضور باید به گونه ای برنامه ریزی شود که هیچ مزاحمتی برای برگزاری نمازهای واجب ایجاد نکند، برای مثال می توان زمان حضور در مجلس را تنظیم کرد یا در صورت طولانی شدن مراسم، نماز را در همان مجلس یا در نزدیک ترین مسجد اقامه کرد.



شهریار

SHAHRAHNEWS.IR
۱۴



روزگار

از دل مصیبت، تصویری ماندگار از یک خانواده متعالی ببینم

تصویری ماندگار از یک خانواده متعالی

گزارش

سمانه رضوانی| خانواده، اولین جایگاه تربیتی همه ماست. در میان تمام الگوهای تاریخی، خاندان امام حسین(ع) در واقع کربلا، تصویری بی نظیر از یک خانواده متعالی را به نمایش گذاشتند؛ خانواده ای که در عین مصائب سخت و فقدان های جانکاه با اتکا به ارزش های عمیق دینی و انسانی، به الگویی جاودان برای تمام نسل ها و عصرها تبدیل شد. آنچه در کربلا رخ داد، دوره ای جامع در سبک زندگی، روابط انسانی و تربیت نسل است که فراتر از زمان و مکان، برای هر خانواده ای که به دنبال سعادت و کمال است، درس هایی ناب و راهگشا دارد.

همراهی و همدلی در سخت ترین شرایط

هنگامی که کاروان حسینی در کربلا محاصره و آب بر روی آن ها بسته شد، هیچ کدام از اعضای خانواده، نه زنان و نه کودکان، از همراهی امام دریغ نکردند. حضرت زینب(ص) که خود به تازگی داغ دو فرزند و برادر را دیده بود، نه تنها از خیمه بیرون آمد و به تسلی دادن زنان و کودکان پرداخت، بلکه با هوشیاری تمام، روحیه را در کاروان حفظ کرد تا مبادا غم و اندوه، توانایی دفاع و صبر را از آن ها بگیرد. این همراهی فقط در بزنگاه های بزرگ تاریخی معنا نمی شود، بلکه در زندگی روزمره، وقتی اعضای خانواده در شادی و غم، در موفقیت و شکست، کنار یکدیگر می ایستند، پیوندها محکم تر می شود. در شب عاشورا، وقتی امام حسین(ع) از یارانش خواست که با تاریکی شب از کنارش بروند و نجات یابند، حتی یک نفر از خاندانش این پیشنهاد را نپذیرفتند. این وفاداری جمعی، نشان می دهد که همدلی عمیق، مرزهای فردگرایی را درمی نوردد و خانواده ای می سازد که در برابر هر طوفانی ایستادگی می کند.

محبت و تکریم؛ سرمایه اجتماعی خانواده

در مکتب اباعبدالله(ع)، محبت صرفا یک احساس عاطفی نیست، بلکه بنیان اصلی روابط خانوادگی محسوب می شود. امام حسین(ع) با رفتاری سرشار از مهر و احترام، به همسر و فرزندان خود شخصیت می بخشیدند. نقل است که ایشان در توصیف محبوب ترین افراد خانواده، به صراحت از همسر خود، رباب و دخترشان سکینه، نام می بردند و می فرمودند که خانه را با حضور آنان دروست دارند. این رفتار، نشان از نگاه والا به جایگاه زن و دختر در خانواده دارد. در سخت ترین لحظات کربلا، وقتی حضرت سکینه(ص) بی تاب می شد، پدر از اسب پیاده می شد و سر دختر را در آغوش می گرفت تا آرامش یابد. این صحنه ها به ما می آموزد که ابراز محبت، حتی در بحرانی ترین شرایط، وظیفه ای انکارناپذیر است و می تواند آرامش را به خانواده بازگرداند. سرمایه اجتماعی یک خانواده، در گرو همین محبت ها و تکریم های روزمره رقم می خورد، نه فقط برای رفع نیازهای مالی خانواده.

صبر و شکیبایی؛ رمز بقای خانواده

مواجهه با بحران، بخش جدایی ناپذیر زندگی هر خانواده ای است. در کربلا، از دست دادن عزیزان در یک روز، سخت ترین بحرانی بود که می توان تصور کرد، با این حال خاندان حسینی با صبری مثال زدنی، از فروپاشی روانی جلوگیری کردند. امام حسین(ع) خود بارها از خواهر و فرزندانش خواست تا صبور باشند و این صبر را به آن ها تلقین کرد. حضرت زینب(ص) در بحبوحه مصیبت نه تنها گریه نکرد، بلکه دیگران را نیز به آرامش دعوت می کرد و با خطبه های آتشین خود در کوفه و شام، پیام عاشورا را زنده نگه داشت. صبر، یعنی توانایی تحمل سختی ها بدون از دست دادن امید و ایمان و این دقیقاً همان چیزی است که خانواده های امروز، در گرودار مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، به آن نیاز مبرم دارند. صبر یک طریقه نیست، بلکه اعضای خانواده باید یکدیگر را به صبر سفارش کنند و با همدلی، از پس چالش ها بآیند. این آموزه عاشورایی، نسخه ای عملی برای تاب آوری خانواده در مواجهه با تلاطم های زندگی روزمره است.

تربیت نسل آینده؛ میراث حسینی

اگر کربلا چیزی را اثبات کرد، این بود که تربیت صحیح در خانواده، می تواند نسلی بیافریند که از سخت ترین آزمون های تاریخی، سربلند بیرون آید. حضرت علی اکبر(ع) در اوج جوانی با شجاعتی کم نظیر به میدان رفت و نشان داد که امام حسین(ع) چگونه فرزندی را تربیت کرده است که نه از مرگ می ترسد نه از روبه رویی با باطل. حضرت عباس(ع) نیز که با وفاداری و جان فشانی اش در کنار برادر ایستاد، نماد بزرگی از غیرت و مسئولیت پذیری است که ریشه در تربیت خانوادگی دارد. در آن روز سخت، حتی نوجوانانی مانند قاسم بن الحسن و عبدالله بن حسن، با اینکه سن کمی داشتند، از عمو خود دفاع کردند و جان خویش را در راه حق دادند. این ها نشان می دهد که خانواده حضرت امیرالمؤمنین(ع) از سال ها قبل، با محبت، توجه و آموزش عملی، نسلی بار آورده بودند که در لحظه حساس، ذره ای تردید به خود راه ندادند. برای خانواده های امروز، این یعنی اگر می خواهیم فرزندانی شجاع، باایمان و مسئول داشته باشیم، باید از کودکی به آن ها شخصیت بدهیم، با آن ها با احترام رفتار کنیم و خودمان الگوی عملی خوبی باشیم. بچه ها بیشتر از حرف ها، از رفتار ما یاد می گیرند. تربیت نسلی که در برابر سختی ها کم نیاید، از دل یک خانواده گرم و صمیمی بیرون می آید، خانواده ای که در آن محبت، صبر و ایمان، حرف اول را می زند.

اخلاق در میدان بحران؛ خوانشی تربیتی از عاشورا

امید بخش ترین جلوه های اخلاقی عاشورا است. حر، نماد آن است که در دستگاه تربیتی اسلام، راه بازگشت تا واپسین لحظات گشوده است؛ مشروط به صدق و شجاعت هر جامعه، پیش از آنکه اقتصادی یا سیاسی باشد، اخلاقی است.

ادب و معرفت: جلوه ای از بلوغ

یکی از ظریف ترین درس های تربیتی عاشورا، مسئله «ادب» است. ادب در منطق دینی، شناخت جایگاه ها و التزام عملی به آن است. حضرت عباس(ع) در نسبت با امام خویش، نمونه ای والا از ادب ولایه است؛ ادبی که ریشه در معرفت دارد.

صبر فعال و عزت مدار

عزت را، به عبارتی، به معنای انفعال نیست. صبر حسینی، استقامت آگاهانه بر حق و حفظ کرامت در اوج فشار است. قرآن کریم وعده می دهد: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۱۵۳) و در جای دیگر، عزت را از آن خدا و رسول و مؤمنان می داند: «وَلِلَّهِ الْغَلَبَةُ وَتَزْهَوِيهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸).

امام حسین(ع) در اوج مظلومیت، عزت را پاس می دارد و می فرماید: «فَهَيْئَاتَ مَنَا اللَّهَ،» بیان نه شعاری احساسی، بلکه ترجمان یک اصل تربیتی است: مؤمن می تواند در نهایت سختی، هم اخلاقی بماند و هم عزیز



استاد حوزه و دانشگاه
آیت الله العظمی سید محمد باقر
مجلسی

می گوید و آغازگر جنگ نمی شود. این سیره، امتداد همان اصل قرآنی است که می فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي فِيْكَ الْخُشْيَٰنَ» بدی را با نیکی دفع کن! (فصلت، ۲۴).

از همین منظر، رفتار امام با سپاه حر در منزل «ذوحسم» - آن گاه که آنان را سیراب کرد- نمونه ای از اخلاق در اوج تعارض است. در حالی که چند روز بعد همین سپاه راه را بر آب بستند، امام از دایره کرامت انسانی خارج نشد. این سلوک، ترجمان عملی این آیه است: «وَلَا تَجْرِمُنْكَ عَنْ قَوْمِ عَلَىٰ أَلَتْغِدُوا لِغَدَاوَلَا أَخْسِبُ الْفَأْشَ أَنْ يَنْصُرُوا أَنْ يَقُولُوا أَفْعَا وَهَمَّ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت، ۲)

عاشورا، تحقق عینی همین سنت الهی است. آنان که در کربلا ماندند، ایمان را نه با زبان، بلکه در میدان امتحان، ثابت کردند.

بحران، مجوز عدول از اخلاق نیست

در منطق برخی مکاتب بشری، بحران می تواند توجیه گر عبور از ارزش های اخلاقی باشد اما در مکتب حسینی، بحران نه تنها مجوز سقوط نیست، بلکه ظرف تجلی فضیلت است. امام حسین(ع) در اوج فشار و محاصره، حتی در برابر دشمن، باب هدایت را نمی بندد، با آنان از موضع خیرخواهی سخن

می گوید و آغازگر جنگ نمی شود. این سیره، امتداد همان اصل قرآنی است که می فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي فِيْكَ الْخُشْيَٰنَ» بدی را با نیکی دفع کن! (فصلت، ۲۴).

از همین منظر، رفتار امام با سپاه حر در منزل «ذوحسم» - آن گاه که آنان را سیراب کرد- نمونه ای از اخلاق در اوج تعارض است. در حالی که چند روز بعد همین سپاه راه را بر آب بستند، امام از دایره کرامت انسانی خارج نشد. این سلوک، ترجمان عملی این آیه است: «وَلَا تَجْرِمُنْكَ عَنْ قَوْمِ عَلَىٰ أَلَتْغِدُوا لِغَدَاوَلَا أَخْسِبُ الْفَأْشَ أَنْ يَنْصُرُوا أَنْ يَقُولُوا أَفْعَا وَهَمَّ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت، ۲)

عاشورا، تحقق عینی همین سنت الهی است. آنان که در کربلا ماندند، ایمان را نه با زبان، بلکه در میدان امتحان، ثابت کردند.

بحران، مجوز عدول از اخلاق نیست

در منطق برخی مکاتب بشری، بحران می تواند توجیه گر عبور از ارزش های اخلاقی باشد اما در مکتب حسینی، بحران نه تنها مجوز سقوط نیست، بلکه ظرف تجلی فضیلت است. امام حسین(ع) در اوج فشار و محاصره، حتی در برابر دشمن، باب هدایت را نمی بندد، با آنان از موضع خیرخواهی سخن